

## آزاده



■ نویسنده:  
زهرا یگانه

کتاب دربردارنده خاطرات آزاده جانباز «حسین عزیزی» است که زهرا یگانه آن را به نگارش درآورده است. کتاب خاطرات جانباز حسین عزیزی، دلاوری‌ها و رویدادهای دوران اسارت مردی غیرتمند و جسور را به تصویر می‌کشد که با ایثار و از خودگذشتگی از انقلاب اسلامی دفاع کرد. در این کتاب با دوران کودکی پرفرازونشیب و سپس جنگ و خاطرات ۱۰ سال اسارت جانباز حسین عزیزی آشنا می‌شوید؛ ۱۰ سال تنهایی به همراه شکنجه‌های پی‌درپی که حتی تصورش هم درآورد است.

## خستگی ناپذیر



■ نویسنده:  
عبدالمجید رحمانیان

کتاب «خستگی ناپذیر» نوشته عبدالمجید رحمانیان، روایت‌های شنیدنی و تأمل‌برانگیز از سیدعلی اکبر ابوترابی است که خاطرات خود را در سال‌های سخت اسارت و مبارزه با نیروهای بعثی در جبهه‌های جنگ تعریف می‌کند. کتاب «خستگی ناپذیر» نیز براساس روایت‌های حجت‌الاسلام ابوترابی نوشته شده و خاطرات ایشان از شهدای بزرگ جنگ و شجاعت‌ها و رنج‌های دوران اسارت در آن به خوبی ثبت شده است.

## بزرگ‌مرد کوچک



■ نویسنده:  
حسین نیری

کتاب، خاطرات شفاهی «قنبرعلی بهارستانی» تالیف حسین نیری، داستان یکی از اهالی آبادان است که در اولین روزهای جنگ، همراه با پدرش به دست دشمن اسیر می‌شود. قنبرعلی، نوجوانی ۱۱ ساله بود که به دست نیروهای عراقی اسیر شد. در میانه‌ی ماجرا، برادر قنبرعلی هم اسیر شده و به او و پدرش می‌پیوندد و این جمع خانوادگی، مدت زیادی را در اسارت نیروهای بعثی می‌مانند.

ویژگی هفتم، نمایش عظمت روحی خانواده شهدا است. سید این کتاب را در پیشانی آن به شهید امیر تقدیم کرده است. وقتی شما این کتاب را می‌خوانید، به ارادت و محبت بین سید و شهید امیر (همان هوشنگ مارالباش) پی می‌برید. جالب است که وقتی علی‌آقا (پدر امیر) خبر شهادت پسرش را از سید می‌شنود، اولین جمله‌ای که می‌گوید، این است: «خدا را شکر که هنوز یکی تان مانده‌اید.»

ویژگی هشتم، تأثیر توسل به ائمه اطهار علیهم‌السلام و خصوصاً امام رضا (ع) است که یک نمونه آن را از صفحه ۲۲۸ ذکر می‌کنیم: «وقتی سید با آن گرفتگی و انقباض روحی و و ناراحتی و با قلبی فشرده به حرم امام رضا علیه‌السلام می‌نگرد، کبوتری می‌آید و کنار پنجره می‌نشیند و چشم در چشم سید می‌دوزد. گویی آن کبوتر همه غم و اندوه سید را با خود می‌برد و سید با دیدن آن آرام می‌شود و انقباض خاطر می‌یابد.»

ویژگی نهم، بیان دقیق برخی حوادث جبهه‌ها به صورتی واقعی و نه اغراق‌آمیز و نه بزرگ‌شده است. نمونه آن هم صحنه‌های مربوط به مجروحیت و حتی شست‌وشوی آن بدنی است که پر از سنگ‌ریزه و سوختگی است.

ویژگی دهم، پرهیز از بیان خاطره برای کسب شهرت و امتیاز است. سید نورالدین این خاطرات را سال‌ها پس از وقوع آن گفته و همان‌طور که در کتاب آمده، ایشان در پی بروز یک انگیزه‌ی معنوی و هنگامی زبان باز کرده که خواب حضرت آقا را می‌بیند. خواب می‌بیند که در محضر ایشان است و ایشان مشغول مطالعه یادداشت‌هایی هستند که حین مطالعه آن گریه می‌کنند و صدایی هم در آن اتقاق وجود دارد که می‌گوید این‌ها خاطرات جانبازی است که چندین سال جبهه بوده و جانباز ۷۰ درصد است و تازه می‌گوید من کاری نکرده‌ام. سید بعد از دیدن این خواب، به بیان خاطرات خود پرداخته است، با این نیت که وظیفه و تکلیف خود را در قبال یاران رزمنده‌اش و فرهنگ و معنویت جبهه‌ها و شهیدان و نیز نسل‌های بعدی فرزندان ایران زمین ادا کرده باشد.

### جایزه جلال برای نورالدین

کتاب «نورالدین پسر ایران» در مراسم اختتامیه پنجمین جایزه ادبی جلال آل احمد، گران‌ترین جایزه ادبی ایران، که با بررسی بیش از چهار هزار و ۵۰۰ اثر همراه بود، در گروه مستندنگاری و بخش خاطره‌نگاری، موفق به کسب عنوان برترین کتاب شد. اتفاقات خوب برای کتاب ادامه داشت تا این که پویانمایی «نورالدین پسر ایران»، بر اساس کتاب، به کارگردانی میثم حسینی ساخته شد. این مجموعه شامل ۳۰ قسمت ۱۵ دقیقه‌ای بود. محمد صالح علا، آتیلا پسیانی، مسعود فروتن و پژمان بازغی از جمله هنرمندانی بودند که در نخستین قسمت‌های «نورالدین پسر ایران» در برنامه حضور داشتند.

### تجلیل رهبر انقلاب از نورالدین

رهبر انقلاب هم بر این کتاب نظر و توجه خاص داشتند و این گونه بر حاشیه نوشتند: «این نیز یکی از زیباترین نقاشی‌های صفحه‌ی پُرکار و اعجاز گونه‌ی هشت سال دفاع مقدس است. هم راوی و هم نویسنده حقا در هنرمندی، سنگ‌تمام گذاشته‌اند. آمیختگی این خاطرات به طنز و شیرین‌زبانی که از قریحه‌ی ذاتی راوی برخاسته و با هنرمندی و نازک‌اندیشی نویسنده، به خوبی و پختگی در متن جا گرفته است، و نیز صراحت و جرات راوی در بیان گوشه‌هایی که عادتاً در بیان خاطره‌ها نگفته می‌ماند، از ویژگی‌های برجسته این کتاب است»

«نورالدین، پسر ایران» را خواندم. کتاب ادبیات داستانی و غیرداستانی مقاومت زیاد خواننده بودم؛ ولی درباره نورالدین بهت‌زده‌ام. بارها وسط مطالعه کتاب را بستم و به دیوار روبه‌رویم خیره شدم. جوانی که در ۱۷ سالگی، ۷۰ درصد جراحات دارد و با همان پیکر آتش گرفته و سرهم‌بندی‌شده، ۸۰ ماه دیگر با خود، آتش و دشمن می‌جنگد. «به‌واقع روایت خاطرات سید نورالدین، بسیار شیرین و خواندنی است. نویسنده نیز برای حفظ ملاحظت و طنز پنهان در کلام نورالدین، تلاشی قابل توجه و تحسین کرد. بیان روان و سلیس که بخش زیادی از آن مدیون نویسنده است، یکی از این دلایل است. دوم صداقت و پرهیز از هر نوع مقدس‌نمایی و تطهیر و بیان بزرگ‌شده‌ی وقایع است. یکی از مصادیق این ویژگی، قطعه‌ای است که سید وقتی در جبهه حضور دارد، به هر حال علاقه‌ای پیدا می‌کند یا ضرورت می‌بیند که یک جاشابی را به دست بیاورد و به همین خاطر، جاشابی یک برادر رزمنده را برمی‌دارد. از این دست بیان وقایع که بی‌هیچ تحریفی آمده، در کتاب بسیار هست.

سومین ویژگی کتاب، طنز پنهان در برخی گفت‌وگوها و منظره‌ها است. این طنز به بهترین شکل در کتاب حفظ شده است. یک نمونه از این ویژگی در صفحه ۲۳۵ کتاب آمده است؛ جایی که برادر رزمنده‌ای به سید می‌گوید: «تو که به جبهه آمده‌ای، بدان که دو حالت برایت اتفاق می‌افتد؛ یا برمی‌گردی یا می‌میری. اگر مُردی که باز دو حالت دارد؛ یا جنازه‌ات مفقود می‌شود یا برمی‌گردد. اگر زنده برگشتی، باز هم دو حالت دارد؛ یا زنده هستی یا زهوار دررفته.» همچنین در صفحه ۲۳۶ کتاب که به ماجرای ازدواج سید اشاره دارد، وقتی برادران رزمنده از یک طرف و خانواده‌ی سید از سوی دیگر به دنبال پیدا کردن همسری شایسته و بایسته برای سید هستند، خود سید به آنها می‌گوید که اگر قرار باشد هر کدام شما یک عکس از من بگیرد و ببرد آن را پخش کند که به زودی یک گردان دختر برای من پیدا می‌شود.

ویژگی چهارم این کتاب، واقع‌نمایی و بیان صادقانه و مواجهه بسیار واقعی با زندگی است که نمونه آن در صفحات ۳۳۰ به بعد به چشم می‌خورد؛ آن‌جا که سید برای تأمین نیازهای زندگی خود و خانواده‌اش، برای اولین بار با گریه و تضرع دعا می‌کند و از خداوند کمک می‌طلبد. ویژگی پنجم، اشارات معرفتی اثرگذار این کتاب است که نمونه آن در صفحه ۳۳۴ کتاب است: پزشک وقتی سید را با آن وضعیت می‌بیند، به او می‌گوید می‌دانی این بدن روز قیامت از تو سوال می‌کند که تو در دنیا با من چه کردی؟ سید پاسخی عجیب و عرفانی و سطح بالا به او می‌دهد که دیدگاه جوانان رزمنده امثال او را به خوبی می‌نماید. می‌گوید: چرا نمی‌دانم؟! اما گمان نمی‌کنم این بدن از من شکایتی داشته باشد، چون این بدن را در خوش‌گذرانی و ولگردی به این روز نینداخته‌ام. خدا خودش قصه هر زخم مرا می‌داند که در کجا و به چه کاری مشغول بودم. بنابراین این بدن خیلی هم باید از من تشکر کند.

ویژگی ششم کتاب، نمایش وضعیت جامعه آن هنگام و نشان دادن برخی افراد یا گروه‌هایی است که در آن زمان که بسیاری از مردم غیور این سرزمین مشغول دفاع از دین و کشور و امامشان بودند، آنها با بی‌تفاوتی یا سهل‌انگاری یا کارشکنی، برخلاف جهت مردم حرکت و عمل می‌کردند. آن‌جا که پرستاری به خاطر دیدن یک برنامه‌ی تلویزیونی، با بی‌دقتی و عجله به سید رسیدگی می‌کند و موجب ناراحتی شدید او می‌شود. یا آن جایی که یک مأمور پلیس قضایی که متأسفانه لباس مقدسی هم به تن داشته، به سید می‌گوید: اصلاً چه کسی به تو گفته بود که بروی جبهه؟ و پاسخ سید را می‌شنود که: امام به ما گفت، و پلیس قضایی می‌گوید: خب حالا امام خودش هم بیاید جواب تو را بدهد! البته در ادامه‌ی کتاب هم آمده که آن شخص بعدها با این که در خط مقدم جبهه حضور هم نداشته، اما برای خودش سوابق و پرونده‌ای درست کرده و امتیازاتی گرفته و به حج هم رفته و به قول خودش، به جایی رسیده است.



### یکی از زیباترین

نقاشی‌های صفحه‌ی پُرکار و اعجاز گونه‌ی هشت سال دفاع مقدس است. هم راوی و هم نویسنده حقا در هنرمندی، سنگ‌تمام گذاشته‌اند. آمیختگی این خاطرات به طنز و شیرین‌زبانی که از قریحه‌ی ذاتی راوی برخاسته و با هنرمندی و نازک‌اندیشی نویسنده، به خوبی و پختگی در متن جا گرفته است، و نیز صراحت و جرات راوی در بیان گوشه‌هایی که عادتاً در بیان خاطره‌ها نگفته می‌ماند، از ویژگی‌های برجسته این کتاب است